

متن پرسش

به نام خدا سلام استاد: مدتی به جایی رسیدم که نه توان مردن دارم نه توان زندگی، اگر بخوام از دنیا برم جدای از اینکه نمی توانم خودم زمان رفتنم را مشخص کنم، چیزی برای آخرتم ندارم، آن هم آخرتی که دیگه بازگشت نداره، ابدیتی که هیچی براش ندارم، از طرفی تو این دنیا هم توان زندگی ازم گرفته شده، می دونم ناامیدی از القائنات شیطانیه اما حالم بده، توان زندگی ندارم، می خوام برا جامعه ام کاری کنم نمی توانم، هرکاری می کنم تو سیستم اداری فرسوده میشم، از بس تلاش کردم به این نتیجه رسیدم سیستم را همیشه تغییر داد و خودم باید در محدوده خودم درست باشم اما سیستم نمی ذاره توان درست بودن برای خودم بمونه، مدام باید جواب بدم و زیرسوال برم، دیگه فرصت کار بزرگ و تحول هم پیدا نمی کنم، اومدم مطالعه کنم تا روحم قوی بشه اما هرچی بیشتر مطالعه می کنم سردرگم تر میشم، می مونم واقعا جیره یا اختیاره، می مونم نقش من تو زندگی چقدره، می مونم حقیقت چیه، از طرفی در روابط خانوادگی و اجتماعی احساس می کنم کسی درکم نمی کنه، همه با هم خوبیم و همدیگه را دوست داریم ولی کسی نیست که بتونم درد دلم و خستگی های روحم را براش بگم و بتونه درک کنه و حداقل با هم تو این مسیر سخت قدم برداریم. واقعا خسته شدم نمی دونم چی کار کنم، نمی فهمم خدا از من چی می خواد، نمی فهمم چطور میتونم به چیزی که خدا ازم می خواد برسم، نمی دونم اصلا می رسم یا نه. در ظاهر می خندم ولی درونم داغونه. ممنون میشم اگر بتوانید راهنمایی بهم بدید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: روایت معروفی هست از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) که در یک خطبه معروفی آن بزرگوار فرمودند « فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ » یعنی هرگاه فتنه ها مانند پاره های شب تاریک شما را دچار شبهه کرد به قرآن مراجعه کنید. و در این رابطه خوب است که با تدبّر در قرآن از طریق تفسیر گرانقدر «المیزان» راه های ناب الهی را در مقابل خود بگشایید. موفق باشید